توازن صحیح در قبال آزمایش های ژنتیکی

بحث‏وگفتگو پیرامون علم ژنتیک چند سالی از سروصدا افتاده بود،اما وقایع اخیر یک بار دیگر سبب‏ شده است تا این موضوع از جایگاه ویژه‏ای برخوردار شود.ماریاراس (Maria Ross) معاون حقوقی گروه‏ بیمه‏ای نورتون رز (Norton Rose) ،به این موضوع‏ می‏پردازد که آیا واقعا آزمایش‏های ژنتیکی به مصداق‏ گرگی در لباس میش است؟

در حالی‏که گوسفند نمونه و گوجه‏فرنگی‏های‏ جهش یافته که حاصل مهندسی ژنتیک هستند و تیتر درشت روزنامه‏ها و مجلات را تشکیل می‏دهند، تأثیرات علم ژنتیک روی بسیاری از جنبه‏های معمول‏ در اطراف ما بسیار دامنه‏دار خواهد بود و اگر نباشد حداقل برای ما در بخش بیمه‏ای اثرات گسترده‏ای‏ خواهد داشت.

سابق بر این،پیران و سالخوردگان معلول(و کسانی که‏ تمایل به فعالیت‏های تفریحی خاصی مثل پرش آزاد و پرواز با هواپیماهای غیر تجاری داشتند)از تمام‏ فرصت‏هایی که می‏توانست در اختیار دیگران قرار داده شود مثل اعطای وام جهت خرید خانه وغیره منع‏ می‏شدند چرا که این افراد نمی‏توانستند تحت پوشش‏ بیمه‏ای زندگی قرار گیرند.

با این حال،آزمایش‏های ژنتیک قادر است تا تحولی در بیمه زندگی بوجود آورد آن‏گونه که نه تنها سالمندان،بیماران مادرزادی و افراد با ریسک بالا، بلکه همه ما را تحت تأثیر خود قرار دهد.

در آینده این امکان فراهم خواهد شد که استعداد فرد برای ابتلا به دامنه وسیعی از بیماری‏ها و معلولیت‏ها و مدت مورد انتظار زندگی او را خیلی‏ دقیق‏تر از آنچه که الان ممکن است،تخمین زد.از آنجا که تصور می‏شود قریب به 4000 نوع بیماری‏ منشأ ژنتیکی داشته باشند،و حدودا از هر ده نفر یک‏ نفر در طول زندگی خود از یک بیماری ارثی رنج‏ خواهد برد،اثرات آزمایش‏های ژنتیکی می‏تواند بسیار دامنه‏دار باشد.

همه ما به این موضوع واقف هستیم که بیمه‏گران‏ زندگی،صرفا از طریق پرسشنامه‏های تاریخچه‏ خانوادگی اطلاعات ژنتیکی مربوط به متقاضیان بیمه‏ راکسب می‏کردند،اگرچه آزمایش‏های معمول‏ محدود به آزمایش‏های مربوط به ایدز (MIV) و آزمایش‏های تعیین اعتیاد به مواد مخدر بود.با این‏ حال،بسیار شبیه آنچه که امروزه بطور معمول‏ آزمایش‏های قند خون و کلسترول انجام می‏گیرد، ممکن است به زودی آزمایش‏های ژنتیکی جهت‏ پیش‏آگهی بیماری‏های متداولی همچون سرطان‏ها، بیماری‏های قلبی و بیماری آلزایمر جزو آزمایش‏های‏ معمول قرار گیرند.

در وهلهء نخست، درک عامهء مردم از این موضوع‏ آن‏گونه است که مزایای تست مجدد به نفع صنعت بیمه‏ می‏باشد،در یک بررسی که اخیرا انجام شده است.فقط 15 درصد سؤال شوندگان تمایل خود را بر این‏ مطلب ابراز نمودند که شرکت بیمهء آن‏ها حق آگاهی از نتایج آزمایش‏های ژنتیکی آن‏ها را داشته باشند.

این سطح از عدم تمایل کاملا قابل درک است، خود را جای آن‏ها بگذاریم،درخواست مطرح کردن‏ چنین اطلاعات حساسی حتی با صمیمی‏ترین و نزدیک‏ترین دوست خود درخواستی دور از انتظار است.

با این همه،بیمه‏گران تمایل زیادی به دسترسی به‏ اطلاعات ژنتیکی صاحبان بیمه‏نامه‏ها دارند،با دلایلی‏ مربوط به خودشان و به همان اندازه قابل درک که افراد سعی دارند اطلاعات شخصی‏شان نزد خودشان‏ محفوظ بماند.این دلایل می‏تواند از این قرار باشد:

اولا،نتایج آزمایش‏های ژنتیک این امکان را برای‏ بیمه‏گران فراهم می‏سازد تا خود را در برابر احتمال‏ انتخاب ناصحیح حفظ کنند.شخصی که انجام‏ آزمایشی در مورد استعداد و یا بیماری ژنتیکی خود را می‏پذیرد با احتمال بیشتری تقاضای بیمه زندگی‏ خواهد کرد و خدمات پوششی بیمه‏ای بیشتری می‏توان‏ به او ارائه داد،چرا که بیمه‏گران می‏دانند احتمال‏ بیشتری وجود دارد که در آینده این افراد نسبت به‏ بیمه‏نامه‏اش ادعایی داشته باشد.

اگر به بیمه‏گر این اجازه داده نشود که آزمایش‏های‏ ژنتیک و نتایج حاصل از آن را تقاضا کند به دلیل آنکه‏ احتمال بیشتری می‏رود تا انتخاب ناصحیح داشته‏ باشد،این امر بیمه‏گر را مجبور می‏سازد تا حق بیمه‏ای‏ بیشتر و نامتناسب با میزان ریسک درخواست کند. خوداری بیمه‏گذار از افشای نتایج آزمایش‏های‏ ژنتیکی در واقع اصل اساسی کمال حسن نیت در قراردادهای بیمه را زیر سؤال می‏برد.

دومین دلیل برای استفاده از آزمایش‏های ژنتیک‏ توسط بیمه‏گران آن است که هرگونه منعی در انجام‏ آزمایشات معادل تبعیضی ناعادلانه است.مثلا، اشخاصی که مبتلا به ویروس ایدز هستند در همان‏ گروهی که اشخاص غیر مبتلا هستند نباید قرار بگیرند. بنابراین اگر این دو گروه در یک طبقه بیمه‏ای قرار گیرند،این افراد سالم هستند که برای مبتلایان پول‏ می‏پردازند.

سومین دلیل(که تا اندازه‏ای هم کمتر متقاعد کننده است)آن است که درمجموع،تمام متقاضیان‏ بیمه زندگی از انجام آزمایش‏های ژنتیک بهره‏مند می‏شوند و این‏طور نیست که نتایج آزمایش‏های‏ ژنتیکی نامطلوب باشد.مثلا،افرادی که سابقه‏ خانوادگی یک بیماری ارثی را داشته باشند به طور عادی و معمول ممکن است از نظر ریسک بسته به‏ ماهیت بیماری ارثی‏شان در گروه زیر استاندارد طبقه‏بندی شوند(یا اینکه حتی توسط بیمه‏گران تقلیل‏ داده شوند).با این حال،اگر یک آزمایش ژنتیکی‏ نشان دهد که آنها حامل ژن نامطلوب نیستند،پوشش‏ بیمه‏ای در حد نرمال و معمول به آن‏ها می‏تواند ارائه‏ شود.با این همه،شاید نظر مشتری این باشد که برای‏ این گروه،بیمه‏ای ایجاد شود که امکان دسترسی به‏ بیمه زندگی و از کارافتادگی داشته باشند در حالی‏که‏ قبلا از پوشش این بیمه‏ها منع می‏شوند.

بدون بیمه درمانی خصوصی چنین افرادی قادر نخواهند بود تا هزینه‏های پزشکی مربوط به‏ بیماری‏شان را بپردازند در نتیجه مجبور خواهند شد تا در محدوده بیمه‏های خدمات درمانی عمومی قرار گیرند.می‏توانیم ناراحتی مردم را تصور کنیم زمانی که‏ متوجه شوند صنعت بیمه از ترس سود کمتر سعی دارد با بهره‏گیری از پیشرفت‏های علمی،بار مالی‏ هزینه‏های خدمات درمانی افراد با ریسک بالا را برعهده مالیات دهندگان قرار دهد.پیش‏بینی این مطلب‏ مشکل نخواهد بود که چنانچه دولت باافزایش افرادی‏ مواجه شود که نمی‏توانند تحت پوشش بیمه‏ای قرار گیرد.(لذا خودش هم وادار می‏شود به نحوی عرصه را بر بیمه‏گران تنگ سازد).

البته این امکان هم وجود دارد که در میان این گروه‏ که براساس تاریخچهء زندگی‏شان احتمال می‏رفت که‏ بیماری ژنتیکی داشته باشند،پس از انجام‏ آزمایش‏های ژنتیکی گروهی دیگر پیدا شود که نتایج‏ تمام آزمایش‏های مربوط به بیماری‏های ژنتیک‏ آنها منفی باشد.چنین افرادی انگیزه بسیاری کمی برای‏ خرید پوشش از کارافتادگی خواهند داشت.بنابراین‏ تنها متقاضیانی که خواهان خرید این پوشش هستند آنهایی خواهند بود که صنعت بیمه خواهان بیمه‏ نمودنشان نیست.

در بخش بیمه زندگی دو حالت افراطی در مورد این پرسش وجود دارد،آنهایی که می‏خواهند بیمه‏ شوند و شرکت‏های بیمهء زندگی نمی‏خواهند به آنها پوشش بدهند و آنهایی که شرکت‏ها می‏خواهند به‏ آن‏ها پوشش بیمه‏ای بدهند اما تمایلی به این کار ندارند.در حالی‏که،ممکن است این همان چیزی‏ نباشد که حتما افتاق می‏افتد،ولی یقینا صنعت بیمه‏ بایستی تصمیماتی را اتخاذ کند که چطور تأثیرات حاصل از پیشرفت‏های علمی که روز به روز در حال‏ افزایش است را روی آینده کاری خویش هدایت کند.

انتقاد به بخش بیمه راجع به استفاده از آزمایشات‏ مروبط به بیماری ایدز هنوز در اذهان عمومی باقی‏ است.افرادی که(درست یا نادرست)بر این باورند که‏ آزمایش‏های MIV به طریقی تبعیض‏آمیز و ناعادلانه‏ به کار گرفته شدند.

این امر به عهده بیمه‏گران است تا مشتریان را متقاعد سازند که اطلاعات مربوط به آزمایش‏های‏ ژنتیکی به روشی عادلانه و مساوی به کار گرفته‏ خواهد شد و این وظیفه‏ای مشکل برعهدهء همه است به‏ خصوص زمانی که بیمه‏گران می‏بایست توازنی بین‏ ادعاهای صاحبان بیمه‏نامه‏های بالقوه و بالفعل و صاحبان سهام برقرار کنند.

در انتها و به عنوان نتیجه باید گفت از آنجا که‏ جواب‏های مشخص و معلومی در مورد ایراد به دیدگاه‏ اخلاقی نسبت به مسأله گوسفند و گوجه‏فرنگی‏های‏ جهش یافته وجود ندارد؛بنابراین به موارد ناشی از توسعه علم ژنتیک در مورد صنعت بیمه نیز به راحتی‏ نمی‏توان جواب داد.تنها یک چیز مسلم است و آن‏ اینکه اگر صنعت بیمه بخواهد از افکار بد عمومی و دخالت‏های دولت جلوگیری نماید،به سرعت بایستی‏ وارد عمل شود و در مجموع یک روش واحد و یکنواخت اتخاد نماید.

منبع

Insurance Day,Sept.23,1998,p.11. 1996 بسر می‏بردیم که تاکنون عملی نشده است،ما از هرگونه پیش‏بینی برای سال 1997 و پس از آن‏ خوداری خواهیم کرد.»

منبع

Insurance Day,Nov 17,1998,p.7.

شرکت ئ‏های بیمهء مستقر در جزایر، درمسیر رشد آینده

طق گفتهء«پت تولان»مدیر طرح‏های استراتژیک‏ شرکت بیمه XL ،برمودا،اکنون بازارهای بیمه مستقر درجزایر جهت ارائه خدمات خود در آینده قابل‏ پیش‏بینی از مهارت‏های لازم برخوردارند.

در پی‏کنفرانس شرکت‏های بیمه مستقر در جزایر هفته گذشته در جبل الطارق،آقای تولان مدیر عامل‏ سابق XL اروپا،در دوبیلن،خاطر نشان ساخت که‏ علیرغم شرایط ضعیف بازار بیمه کنونی،بخش وابسته‏ (Derivative Insurance) توسط واحدهای بازار مالی،در جزایر توسعه داده شده‏اند؛ادامه داد«منطقی‏ است که نتیجه بگیریم مراکز بیمه جزیره‏ای نقش بسیار مهمی در پیشرفت راه‏حل‏های جدید بیمه دارند.از آنجا که این مراکز"آزمایشگاه‏های توسعه‏"برای‏ محصولات بیمه‏ای آینده به شمار می‏روند،جزء لازم و لاینفک بازار بیمه به شمار می‏روند».

«ما وارد عصری می‏شویم که مطابقت سرمایه با ریسک،برای هر شرکت بزرگ و در نتیجه مدیر ریسک شرکت،بیش‏ازپیش تعیین کننده می‏شود».